



07-03-2019

زرغونه ولی

## به پیشواز هشتم روز همبستگی زنان جهان

### فیمینسم چیست ؟

کلمه «فیمینسم» و «فیمینیست» برای اولین بار در فرانسه و هلند در سال ۱۸۷۲ ظاهر شد، بریتانیا در دهه ۱۸۹۰، و ایالات متحده در سال ۱۹۱۰، و فرهنگ انگلیسی آکسفورد لیست ۱۸۹۴ را به عنوان سال ظهور برای اولین بار از «فیمینیست» و ۱۸۹۵ برای «فیمینیسم» استفاده کردند.

فیمینسم (به زبان انگلیسی) Feminism: عبارت از مبارزه بخاطر تأمین تساوی حقوق مساوی سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیکی میان افراد که (جنسیت را نفی می کند) در یک جامعه می باشد

دستیابی زنان به حقوق مساوی در زمینه های سیاسی، اجتماعی، بامردان است

و یا به عباره دیگر وقتی نابرابری ها سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انسان های یک جامعه به اوج خود می رسد و تقابل میان مرد و زن انسانیت را به سوال می کشاند اینجاست که مبارزه علیه تمام بی عدالتی ها بخاطر زندگی باهمی راه های نجات و آینده های دور شدن از این معضله در خط قرمز جامعه

، ایجادگری و تکامل شروع می شود و تلاش بیشتر جهت تأمین روابط اجتماعی هر دو موجود خارق العاده جامعه صورت می گیرد که این مبارزه را بنام فیمینسم و رزمنده گان انرا را بنام فیمینیست ها یاد می کنند

گر چه فیمینسم به اشکال مختلف از دید گاه مانند فیمینسم مارکسستی، فیمینسم لیبرالیستی، رایکال و فیمینسم سوسیالیستی و غیره به تعریف گرفته شده است و دانشمندان هم نظریات مشخص را در اینمورد ارائه داشته اند بطور مثال

ژانه فریدمن در کتاب خود به عنوان فیمینسم (۲۰۰۳) مینویسد "در سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ میلادی تظاهرات جنبش زنان که قبلاً تمرکز بر مساوات و برابری و حق رای دهی زنان داشت، فشار و دقت خود را بیشتر به مساوات در حقوق سیاسی، مسایل خانواده گی، مسایل جنسی و محیط کار معطوف کرد. فیمینیسمی که در اواخر قرن ۱۸ برای حقوق رای دهی زنان بوجود آمده بود در قرن ۱۹ فراتر رفته و دقت خود را بر مسایل اجتماعی زنان بیشتر نمود. چندانکه گی در هدف باعث بخش بندی های فیمینیستی شد. یکی از دلایلی که مطالعه و آموزش تیوری فیمینیزم را مشکل نموده، تقسیم بندی آن بر اساس ایدئولوژی ها و باور های متفاوت است. این باورها فیمینسم را به سه گروه تقسیم نموده است: فیمینسم لیبرال، فیمینسم مارکسیستی یا سوسیالیستی و فیمینسم رادیکال. تاکید فیمینیست های لیبرال بیشتر به تبلیغاتی است که به عنوان مساوات و برابری از جانب لیبرالیزم مطرح میشود. آنها خواهان تمام حقوق شهروندی بصورت مساویانه برای مرد و زن اند. فیمینیست های مارکسیست و سوسیالیست تمام نابرابری ها و فشارهای را که بالای زنان است، نتیجه سیستم سرمایه داری و عدم مساوات در بازار کار و اقتصاد میدانند. فیمینیست های رادیکال تسلط مردان بر زنان را نتیجه سیستم پدرسالاری میدانند که انگیزه تمام مشکلات در جامعه نتیجه همین سیستم است. از نظر رادیکال ها این سرمایه داری نیست که مسبب عدم مساوات میان زن و مرد است. البته دیدگاه های تازه تری نیز در اواخر ظهور نموده که عبارت اند از فیمینسم پست مدرنیست و فیمینسم روانشناسانه و غیره. ۱

پس از هزاران سال سلطه مردان، اکنون در ابتدای عصر زنانه ایستاده ایم که خانم ها برای دستیابی به برتری مقتضی خود بر می خیزند و جهان تساوی بین مرد و زن را به رسمیت می شناسد

فیمینسم در کشور ما معلق است زیرا جامعه ماسنتی و مذهبی است

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

فمینیسم زنان افغان يك فمینیسم كنگ است

زیرا تا بحال موشگافی های دقیق در مورد صورت نگرفته است

ولی تلاش های نهاد های فمینیستی با همکاری کشور های خارجی در زمینه

ایجاد حداقل شرایط بهتر زندگی اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی برای زنان ادامه دارد

فمینیسم قسمیکه در بالا یاد اوری شد در اواخر قرن ۱۸ بیشترین تمرکز را به تهدید نابرابری های جنسی مسائل زنان معطوف نمود

فعالین حقوق زنان باور دارند که جنسیت در زندگی انسانها عاملی تعیین کننده است که جایگاه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افراد بر اساس آن شکل میگیرد. فمینیسم بیشترین تمرکز خود را معطوف به تهدید نابرابری های جنسیتی و پیشبرد حقوق، علائق و مسایل زنان کرده است. که زنان در جوامع مرد سالاری سرکوب می شود که فمینیست ها بخاطر دستیابی به اهداف ذیل

تمامیت بدنی و خودمختاری، حق رأی، حق کار، حق دستمزد برابر به خاطر کار برابر، حق مالکیت، حق تحصیل، حق شرکت در ارتش، حق مشارکت در قراردادهای قانونی و در نهایت؛ حق سرپرستی فرزندان، حق ازدواج آزادانه و آزادی مذهبی مبارزه نموده اند ولی بعدا مبارزه آنان با خواست های بیشتر راه اندازی شده است

فمینیست هایدر قرن ۱۹ نخستین خواستار طیف وسیعی از حقوق قانونی شهروندی، از جمله حق رأی، حق مالکیت، حق سرپرستی کودک و حق طلاق بودند.

از زمان جنگ داخلی تا سال ۱۹۲۰، کم کم تمام توجهات به یک موضوع، یعنی حق رأی محدود شد. با تولد دوباره فمینیسم در دهه ۶۰، دامنه توجهات بار دیگر وسعت یافت تا گستره بزرگتری از حقوق جنسی، حقوق اقتصادی و حقوق مدنی را دربرگیرد. اما در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ فمینیسم آمریکایی بار دیگر خود را محدود به یک خواسته کرد: لایحه حقوق برابر.

موج بعدی فمینیسم قرن نوزدهم هدف خود را منحصر به حق رأی نمود که مورد حمایت گسترده واقع شد. فمینیست ها مسئله حق رأی را مقوله سیاسی مشروع و مورد احترامی تلقی می کردند. نبرد برای تصاحب حق رأی بسیار پرهزینه بود و تا زمانی که این حق در سال ۱۹۲۰ اعطا گردید، احیای فمینیسم در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بار دیگر توجه همگان را به موضوع حقوق برابر برای زنان جلب کرد. این نهضت جدید در مراحل اولیه خود دارای دو بخش بود. بخش اول، شبکه ای از گروه های غیرمتمرکز بود که در اوایل دهه هفتاد اوج گرفت و هدفش افزایش آگاهی عمومی بود. این گروه ها نوعاً فاقد یک ساختار رسمی بودند و انرژی خود را بر روی روابط شخصی و امور جنسی متمرکز کرده بودند. بخش دوم جنبش، سازمان های ملی زنان را در بر می گرفت که شامل:

سازمان ملی زنان (NOW)

فراکسیون سیاسی ملی زنان (NWPC)

اتحادیه جنبش عدالت طلب زنان (WEAL)

در برخی از شاخه های فمینیسم گرایش های سیاسی مانند لیبرالیسم، مارکسیسم و سوسیالیستی دیده می شود، حتی پیگیری و یا تمرکز بر روی محیط زیست هم جزو شاخه های فمینیسم است. [نیازمند منبع]

چون فمینیسم بحث وسیع است به همین نوشته اتکا گردیده است. در صفحات اینترنتی بیشتر مطالب وجود دارد. امید مورد استفاده هموطنان قرار گیرد

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی